

بررسی جایگاه نفقهٔ زوجه در تحقق عدالت اجتماعی

دکتر راحله کاردوانی* - مهدی وکیلی**

چکیده:

نفقه در قانون ایران برخاسته از تعالیم دین اسلام، حق و تکلیفی است که بخش مهمی از روابط خانوادگی به‌شمار می‌رود و تحت شرایط خاصی درمورد نسبت‌های مختلف در خانواده، مطرح می‌باشد. این نهاد درمورد ارتباط زوجین، یک حمایت مالی جدی از زن در خانواده، در راستای انجام وظایف مادری و همسری و درنهایت، تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد و برخاسته از اهمیت وافر استحکام نهاد خانواده در دیدگاه اسلام است؛ چراکه عدالت تکوینی را در عدالت تشریحی محقق می‌سازد. به‌دلیل اهمیت این موضوع و مسئله‌مندی آن به جهات خلأهای قانونی و خلأهای پژوهشی در ارتباط نهاد نفقهٔ زوجه و عدالت اجتماعی، در این نوشتار با روش مطالعهٔ اسنادی و رجوع به قوانین موضوعه ایران، به بررسی همه‌جانبه حق زوجه بر نفقه و طرح خلأهای موجود در این زمینه پرداخته شده است. در این راستا تعریف، ویژگی‌ها، ضمانت‌اجرا و عوامل سقوط نفقه زوجه در قانون مدنی ایران ذکر شده و خلأهایی نیز که در این زمینه وجود دارد، بیان شده است. در انتها نیز به بررسی جایگاه نفقه زوجه، در تحقق عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی اشاره شده است. نتیجه آنکه: ۱- عدم تصریح قانون به «مصادیق وظایف زوجیت زن در خانواده، موانع مشروعی که زن می‌تواند با استناد به آنها از تمکین خودداری کند، ماهیت حق زوجه بر اموالی که مرد تحت عنوان نفقه در اختیار وی می‌گذارد و مراحل اثبات دعوی نفقه در محاکم» برخی از موارد خلأ در زمینهٔ قوانین مربوط به نفقه در ایران به‌شمار می‌رود؛ ۲- از آنجاکه مقوله کار و توزیع درآمد از مهم‌ترین جنبه‌های مربوط به عدالت اجتماعی است و عارضه جنسیت به دلایل طبیعی بر میزان و چگونگی کسب درآمد در جامعه مؤثر است، لذا نهاد «نفقه» از مهم‌ترین وجوه مؤثر و متأثر از عدالت

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۹
صفحه ۳۳۹-۳۶۹، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۳/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۹

* عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده، قم، ایران، نویسنده مسئول

Email: rahelecardavani@yahoo.com

** کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی،

Email: mahdivakili@yahoo.com

واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ ۳- به‌نظر می‌رسد در راستای تغییرات سبک زندگی و موقعیت زنان در خانواده و تحقق دوسویه عدالت جنسیتی، اصلاح و به‌روزرسانی قوانین موضوعه در خصوص نهاد «نفقه» ضروری است.

کلیدواژه‌ها:

نفقهٔ زوجه، تمکین، نظام حقوقی ایران، عدالت اجتماعی، عدالت جنسیتی.

مقدمه

قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران در موارد متعددی، از جمله در زمینه حقوق زن در خانواده، برگرفته از تعالیم غنی دین اسلام می‌باشد. در حقوق مدنی ایران، بخش بسیار مهمی از حقوق زن در خانواده، حقوق مالی اوست. این رویکرد، ناشی از نگاه خاص دین اسلام به جایگاه زن در خانواده است. در دیدگاه اسلام، نقش زن در خانواده به‌عنوان مادر و همسر، نقشی بدون جایگزین است که از اهمیت بسیاری در تربیت فرزندان و افزایش استحکام و نشاط خانواده برخوردار است.

مادر کانون پیوند در خانواده است. جایگاه او در طبیعت، جایگاهی ریشه‌ای است که خلقت و فطرت عالم با آن عجین شده است و این قانون هستی، قابلیت تغییر ندارد و بر اساس این جایگاه ریشه‌ای، کرامتی خاص برای او مقرر کرده که در وجوه عام خود، از وی نفی ضرر و حرج و اکراه کرده است. اسلام در رأس همه ادیان، توجه خاصی به نقش محوری این وجود مبذول داشته است.

حمایت مالی از زن در نهاد خانواده و به‌ویژه در جایگاه همسر و مادر، در راستای نیل به این اهداف می‌باشد. برای تحکیم خانواده و حمایت از نقش همسری و مادری زن، لازم است تمهیداتی در راستای تأمین امنیت و آرامش زن در خانواده صورت گیرد. تأمین مالی زن به کفایت و نیکویی می‌تواند یکی از ابزار تأمین این امنیت و آرامش باشد.

پرداخت نفقه زوجه توسط شوهر، تنها یکی از حمایت‌های مالی زن در خانواده است. تمهیدات دیگری نیز همچون مهریه، اجرت شیردهی و اجرت‌المثل کارهای منزل، به نفع زن در خانواده پیش‌بینی شده است. حق زن بر نفقه در قانون ایران تصریح شده است و تنها یک امر دستوری و فرمایشی نیست. بلکه با استفاده از ضمانت‌های اجرایی مدنی و کیفری توسط قانون حمایت شده است. این حق از حقوق مالی بسیار مهم و کارآمد زن در خانواده است. بررسی ابعاد مختلف این موضوع به‌دلیل جایگاهی که در مجموعه قوانین حقوق زن در ایران دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

از سوی دیگر، «عدالت» از مفاهیم بنیادین دینی است و همه ادیان الهی با هدف تحقق این اصل از سوی خدای متعال به واسطه انبیاء نازل گشته‌اند. مهم‌ترین دغدغه پیام‌آوران الهی بعد از شناخت خدا و نزدیک کردن انسان به او، ایجاد و بسط عدالت اجتماعی بوده است. دین اسلام نیز به‌عنوان خاتم ادیان، تحقق عدالت را سرلوحه اهداف خود قرار داده است. در این راستا باید خاطر نشان کرد که وجود ۲۹ آیه از قرآن در باب عدالت، شاهدی بر اهتمام اسلام بر این اصل می‌باشد. یکی از ابعاد عدالت اجتماعی، در روابط خانوادگی و حقوق و مسئولیت‌های مربوط به آن، قابل‌پیگیری است. نگاه سطحی و گذرا بدون توجه به ماهیت نظام‌مند یا سیستمی قوانین اسلام در احکام خانوادگی ممکن است به این تفکر بینجامد که مسئولیت تأمین مالی همه‌جانبه زوجه توسط زوج، خدشه‌ای بر تحقق عدالت اجتماعی باشد؛ چراکه وظیفه‌ای سنگین را برعهده مردان قرار می‌دهد درحالی‌که زنان در این خصوص هیچ‌گونه مسئولیتی ندارند.

در این نوشتار، در راستای بررسی این مسئله، پس از بررسی همه‌جانبه نفقه زن در خانواده شامل تعریف و ویژگی‌ها، ماهیت حق زن بر نفقه، ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری و موارد سقوط نفقه زوجه در قوانین ایران که عمدتاً برگرفته از فقه تشیع می‌باشد، به بیان جایگاه نفقه زوجه در تحقق عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی پرداخته‌ایم.

۱- تعریف و ویژگی‌های نفقه زوجه در قوانین موضوعه ایران

۱-۱- تعریف و مصادیق نفقه زوجه

«نفقه» در قانون ایران یک اصطلاح حقوقی است که از فقه اسلامی گرفته شده است و در لغت عرب به معنای «خرج و صرف مال» است.^۱ تعریف «نفقه» در اصطلاح حقوقی نیز از معنای لغوی آن دور نیفتاده و بر اساس توضیحات و معانی لغات و اصطلاحات در قانون مدنی ایران، عبارت است از: «هزینه‌ای که برای گذراندن زندگی، لازم و موردنیاز است.» نفقه، در قانون ایران به نفقه زوجه در خانواده منحصر نیست. نفقه زوجه تنها یک مورد از موارد پرداخت نفقه می‌باشد و موارد دیگری از پرداخت نفقه به خویشاوندان و فرزندان در خانواده نیز با شرایط خاص خود در قانون ایران پیش‌بینی شده است که پرداختن به آنها خارج از حیطه موضوع این پژوهش است.

۱. عبدالنبی قیّم، فرهنگ معاصر عربی - فارسی (تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷)، ۱۱۳۳.

برای تعیین میزان، مصادیق و کیفیت نفقه زوجه، حقیقت شرعی وجود ندارد و شرع اسلام تعریف آن را به عرف واگذار کرده است. لذا آنچه را که عرف برای گذران زندگی معمولی لازم می‌داند، از موارد نفقه زوجه محسوب می‌شود. فقهای امامیه معمولاً نفقه را به معنای «تأمین غذا، لباس، مسکن، دارو، لوازم بهداشتی و ...» گرفته‌اند.^۲ ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران نیز با تأکید بر شیوه عرفی بودن تعیین نفقه، مصادیقی از آن را ذکر کرده است. وفق این ماده، «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.»

بر اساس این ماده قانونی، اقتضائات عرفی هر جامعه بر تعیین میزان و کیفیت نفقه زوجه مؤثر است. به این مفهوم که شوهر باید سطح زندگی معمول افراد جامعه از جهات مختلف مانند خوراک، پوشاک و مسکن را مبنای تأمین نفقه همسر خود قرار دهد. همچنین شرط دیگر در تعیین میزان و کیفیت نفقه زوجه بنا بر ماده قانونی مذکور، توجه به وضعیت زن و تناسب نفقه با این وضعیت می‌باشد. این وضعیت بر دو اساس مشخص می‌شود. اول، شیوه‌های قبلی زندگی زن، مانند عادت به داشتن خادم قبل از ازدواج است، مگر آنکه زوجه پس از به اختیار خویش در هنگام ازدواج، بر شکل دیگری از زندگی توافق کنند؛ دوم، حال زن از جهت وضعیت جسمانی، بعد از ازدواج است؛ یعنی اگر زن دچار عارضه جسمانی‌ای شود که قدرت انجام کارهای شخصی خود را نداشته باشد، مرد موظف است برای زن خدمتکاری استخدام نماید تا او را یاری رساند و این مورد نیز در این حالت خاص از مصادیق نفقه زوجه به‌شمار می‌رود.

۱-۲- اصل، فلسفه و شرایط وجوب نفقه زوجه برعهده شوهر

قرآن کریم که منبع اصلی قوانین اسلام به‌شمار می‌رود، مردان در خانواده را موظف به تأمین مالی همسر و فرزندان خود می‌داند. در این باره فرموده است: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره/ ۲۳۳)»: تأمین خوراک و لباس آنان (مادر و فرزند)، به وجهی نیکو برعهده صاحب فرزند است.»

در قانون مدنی نیز وفق ماده ۱۱۰۶، در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر اوست. در نکاح دائم، این وظیفه مرد ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد. لذا دو طرف نمی‌توانند ضمن عقد نکاح یا پس از آن، تکلیف مرد را در این باب ساقط کنند. ولی در عقد منقطع (عقدی که با توافق و تصریح زن و مرد بر مدت معینی واقع می‌شود) دین شوهر به دادن نفقه، متکی به تراضی و قرارداد زن و مرد در هنگام عقد نکاح می‌باشد؛ یعنی وفق ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی ایران، در عقد موقت، زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد؛ بنابراین، اصل وجوب نفقه بر عهده شوهر در عقد دائم که صورت طبیعی و غالب ازدواج در ایران است، در قانون تصریح شده است. این تعهد در قانون ایران، وظیفه‌ای یک‌طرفه برای مرد است و زن حتی در حالت استطاعت مالی، هیچ‌گونه وظیفه شرعی و قانونی در قبال تأمین مخارج خانواده بر عهده ندارد. همچنین، فقر یا تمکن مالی زوجه بر حق وی در دریافت نفقه مؤثر نیست؛ یعنی زن در هر وضعیت مالی که باشد، از نظر قانون ایران مستحق دریافت نفقه از همسر خویش است.

در دیدگاه اسلام، تعهد مرد در مورد وظیفه انفاق در خانواده و حتی یک‌سویه بودن آن، دارای فلسفه و پشتوانه‌ای قوی است. حقیقت این قانون را باید بر مبنای فهم کامل و صحیح از دیدگاه اسلام در زمینه روابط و نقش زن و مرد در خانواده دریافت کرد. بر اساس دیدگاه برخی از اسلام‌شناسان معاصر اهل تشیع، دیدگاه اسلام به خانواده یک دیدگاه مکمل‌نگر است^۳، یعنی قائل به تقسیم وظایف و ویژگی مکملی وظایف زن و مرد نسبت به یکدیگر در خانواده است. در این دیدگاه، نقش زن در مدیریت داخلی خانواده، تربیت فرزندان و نیز آرامش‌دهی و ایجاد محبت در خانواده نقشی کلیدی و بدون جایگزین دانسته شده است. نظام ارزشی اسلام در مورد زن و مرد در خانواده، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد که در ایجاد تمایز نقش‌های زن و مرد تأثیرگذار است.

با تدبیری در آیات قرآن کریم و روایت ائمه معصومین (ع)، به خوبی می‌توان دریافت که در نظام ارزشی اسلام، مرد در کنار خوش‌رفتاری و محبت‌ورزی به همسر و فرزندان، به سخت‌کوشی و تلاش برای تأمین هزینه‌های مالی خانواده دعوت شده و زن به تولید و تربیت صحیح و کامل فرزندان و خوش‌رفتاری و رسیدگی به همسر در خانواده تشویق شده است.^۴

۳. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در خانواده (تهران: صدرا، ۱۳۷۲)، ۲۰۰.

۴. برای نمونه: امام سجاد(ع) در رساله حقوقی‌شان، اکرام و مهربانی با همسر را در زمره حقوق اساسی وی دانسته‌اند (محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه (قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه،

لذا ارزشمندی زن و مرد در نگاه خداوند متعال به ایفای وظایف متفاوتی است.^۵ به همین دلیل است که زن در این رویکرد به خانواده، باید از سوی همسر به صورت کامل و مطلوب، حمایت مالی شود. این حمایت در راستای انجام درست وظایف زن در خانواده بدون داشتن دغدغه‌های مالی برای حال و آینده خویش و فرزندان خویش است. حتی در راستای این حمایت، برطبق شرع اسلام و ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی ایران از زن مطلقه در برخی از انواع طلاق و نیز زن حامله مطلقه در دوران بارداری‌اش، باید از سوی مرد حمایت مالی ادامه یابد و پس از وضع حمل، تمامی مخارج این کودک برعهده پدرش می‌باشد. لذا حمایت مالی از زن حتی در دوران کوتاهی پس از طلاق وی نیز باید ادامه یابد.

وجوب نفقه برعهده مرد دارای شرایطی است. این شرایط نیز با رجوع به محتوای قوانین مربوط به نفقه قابل دریافت است. شامل:

۱. بر اساس ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی با وقوع نکاح با شرایط صحت، روابط زوجیت میان زن و مرد آغاز و حقوق و تکالیف آنها درمقابل یکدیگر برقرار می‌شود. لذا وجوب تکلیف پرداخت نفقه برعهده مرد و حق دریافت و مطالبه نفقه از سوی زوجه، مشروط به اثبات عقد نکاح می‌باشد که مطابق با مواد ۱۲۵۷ تا ۱۲۷۴ قانون مدنی، از طریق روش‌های اقرار، ارائه سند کتبی نکاحیه، شهادت شهود و سوگند قابل انجام است؛
۲. شرط وجوب نفقه برعهده مرد در قانون ایران، دائمی بودن عقد نکاح است که در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی بر آن تصریح شده است؛
۳. شرط سوم، این است که زن به وظیفه خود مبنی بر تمکین کامل جنسی از شوهر اقدام کند. منظور از تمکین زن، اقدام به زندگی مشترک با مرد و برآوردن خواسته و نیاز جنسی متعارف و معقول وی می‌باشد. وفق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی ایران، در صورتی که زن بدون مانع مشروع، (مانند بیمار یا در عادت ماهیانه بودن یا وجود بیماری‌های واگیردار در مرد) از ادای وظایف زناشویی خود درمقابل شوهر امتناع ورزد،

۱۴۱۳ ق)، جلد ۲، ۶۲۱) و رسول خدا (ص) در روایتی خطاب به ام سلمه؛ برای مراحل مختلف مادری مانند بارداری و شیردهی ارزشی برابر با جهاد در راه خدا (محمد بن الحسن الحرّ العاملی، وسائل الشیعه (قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق)، جلد ۱۵، ۱۷۵) و امیرالمؤمنین (ع) آن را معادل وظیفه مرد در بذل مال و جان بیان داشته‌اند (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، جلد ۵، ۹).

۵. جهت مطالعه شرح کامل نظام ارزشی اسلام و آیات و روایات مربوط به هر یک از زن و مرد؛ نک: راحله کاردوانی، «واکاوی ارزش‌های جنسیتی زن در دیدگاه مکملی اسلام»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰)، ۸۰-۴۲.

از حق نفقه محروم می‌شود. در این باره که آیا گستره تمکین در برابر نفقه، عام بوده و اطاعت زن از شوهر در امور واجب را شامل می‌شود و یا به تمکین خاص یا تمکین جنسی منحصر است، به تبعیت از اختلاف نظر فقها، در میان حقوق دانان نیز اختلاف نظر وجود دارد. ولی آنچه در دیدگاه غالب حقوق دانان و رویه قضایی ایران جریان دارد، انحصار گستره تمکین در برابر نفقه به تبعیت در روابط جنسی می‌باشد.^۶

در میان حقوق دانان به تبعیت از نظر فقهای امامیه، در مورد اینکه آیا با عقد نکاح حق دریافت نفقه برای زوجه ایجاد می‌شود یا با اولین تمکین جنسی وی در مقابل شوهر، اختلاف نظر وجود دارد. به اعتقاد برخی، وجوب نفقه برعهده مرد، مشروط به تمکین کامل از سوی زوجه است و به اعتقاد برخی دیگر، به محض انعقاد عقد نکاح، زن مستحق دریافت نفقه می‌باشد و در صورت عدم تمکین از شوهر در ادامه رابطه زناشویی، نفقه قطع می‌شود.^۷

قانون مدنی ایران در این باب حکم صریحی ندارد و در فقه نیز اتفاق نظر نیست. به همین جهت در آرای دادگاه‌ها در این مورد تشتت آراء مشاهده می‌شود و این مورد از نقص‌های قانون به‌شمار می‌رود. اهمیت این موضوع از این جهت است که در صورت اختلاف بین زوجین بر سر دریافت و پرداخت نفقه، با پذیرش نظر اول، زن باید تمکین خود از شوهر را در دادگاه اثبات نماید تا از سوی دادگاه مستحق دریافت نفقه شناخته شود و مرد به پرداخت آن الزام شود؛ اما با پذیرش نظر دوم با اثبات عقد نکاح، زن مستحق نفقه شناخته می‌شود و این مرد است که باید سرپیچی و عدم تمکین همسر خود را در دادگاه اثبات نماید و تعهد پرداخت نفقه را از دوش خود بردارد. پس بار اثبات دعوی در دادگاه بر اساس پذیرش نظرات مختلف بر دوش زوج یا زوجه قرار می‌گیرد. آنچه اکنون به صورت غالب در دادگاه‌ها جاری است، نظر دوم می‌باشد و عمدتاً بار اثبات دعوی برعهده زوج قرار داده شده است؛ زیرا وقوع عقد نکاح و زندگی مشترک زن با مرد، اماره‌ای بر تمکین زن از شوهر دانسته شده است.

۶. معاونت آموزش قوه قضائیه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های خانواده (تهران: جنگل، ۱۳۸۷)، جلد ۳، ۱۱؛ قدرت‌الله مشایخی، خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی (تهران: سمت، ۱۳۷۸)، ۱۰۲.

۷. حسن محمدی‌رمقانی، محمد روشن و حسین مهرپور، مطالبات زوجه و روش وصول آنها (تهران: جنگل، ۱۳۹۱)، ۴۲.

۱-۳- ماهیت حق زن بر نفقه

مقصود از ماهیت یا طبیعت حق زن بر نفقه آن است که ببینیم آیا زن آنچه را که شوهر به‌عنوان نفقه به او می‌دهد، مالک می‌شود یا فقط اذن در انتفاع و بهره‌وری از نفقه به زن داده می‌شود و او می‌تواند از آن استفاده کند، بدون آنکه مالک آن گردد. اگر زن مالک چیزی باشد که به‌عنوان نفقه دریافت کرده، می‌تواند در آن تصرفات مالکانه انجام دهد. برای مثال آن را بفروشد یا ببخشد.

در پاسخ به این سؤال، به‌دلیل عدم تصریح در قانون ایران، حقوق‌دانان اقدام کرده‌اند. آنها بین دو دسته اموال، تفاوت قائل شده‌اند:

۱. اموالی که مصرف‌شدنی هستند و قابلیت بقا را در برابر استفاده ندارند؛ مانند خوراکی‌ها، وسایل بهداشتی و غیره؛
۲. اموالی که با انتفاع نیز باقی می‌مانند؛ مانند محل سکونت، وسیله نقلیه و غیره. درمورد دسته نخست، به‌دلیل آنکه حق انتفاع از مالکیت جدانشدنی نیست، باید مالکیت زن را پذیرفت.

لذا پولی را که زوجه برای تهیه غذای خود گرفته یا صابون یا عطری که به او داده شده است، مالک می‌شود. در این مورد زن با وجود مالک شدن، حق ندارد به‌طور غیرمعتاد و به زیان شوهر در اموال تصرف کند؛ یعنی در این زمینه نیز باید حدود عرف رعایت شود. در صورت سوءاستفاده زن از حق مالکیت خود بر اموال، بر اساس ماده ۱۳۲ قانون مدنی و قواعد مسئولیت عمومی، از تصرف ممنوع می‌شود و موجب مسئولیت مدنی برای زوجه می‌باشد. منظور از سوءاستفاده زوجه از اموال این است که زوجه از اموال به‌جای آنکه برای استفاده شخصی و رفع نیاز خود بهره‌گیرد، استفاده دیگری کند و با این کار، به‌دلیل عدم‌رفع نیازهایش، مجدداً از شوهر خود تقاضای نفقه نماید که سبب اضرار به شوهر و ایجاد تکلیف در تهیه مجدد آنهاست. سوءاستفاده زن باید در دادگاه توسط زوج اثبات شود و با صرف‌نظر نمودن زوج از شکایت خود، دادگاه نیز پرونده را مختومه اعلام می‌نماید^۸

درمورد دسته دوم، معیار تمیز اراده شوهر و تعیین حق زن، حکم عرف است. منظور از حکم عرف، آن نظری است که به‌طور معمول در روابط افراد در جامعه، جریان دارد. در عرف جامعه ایران، خانه و اثاث منزل و مابقی موارد مصرف‌نشده نفقه، از طرف مرد به زن

۸. سید حسین صفایی و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده (تهران: میزان، ۱۳۸۵)، ۱۳۹-۱۳۰.

بخشیده نمی‌شود؛ یعنی زن تنها حق انتفاع دارد و حق مالکیت بر آنها نمی‌یابد. برای حق مالکیت یافتن زوجه، شوهر باید به صورت رسمی و با تهیه اسناد معتبر، این بخشش را به مالکیت مبدل سازد. لذا در حالت بخشش، زوج می‌تواند قبل از انتفاع و در حین انتفاع، نفقه زوجه را تغییر دهد؛ یعنی تصمیمات راجع به این بخش از نفقه به اختیار شوهر می‌باشد.^۹

۱-۴- ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری احقاق حق نفقه زوجه

نفقه زن، در زمره دیون شوهر است و وفق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی ایران، زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از این بابت، طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زوجه مقدم بر سایر غرما خواهد بود. همچنین بر مبنای ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی ایران، در صورت استنکاف شوهر در پرداخت نفقه، زن حق دارد از دادگاه بخواهد که میزان نفقه آینده او را معین و شوهر را به پرداختن آن محکوم کند. ضمانت‌اجرای مدنی احقاق حق نفقه زوجه در قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۲۹ بیان شده است. در این ماده آمده است: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.»

بر اساس ماده مذکور، در حالتی که زوج دارای تمکن مالی است اما از پرداخت نفقه همسر خود خودداری می‌کند، یا به دلیل عجز و ناتوانی مالی نمی‌تواند مخارج زوجه را تأمین کند؛ زن می‌تواند به دادگاه درخواست الزام شوهر به پرداخت نفقه را بدهد و اگر این الزام تأثیری نداشت، دادگاه به زوجه حق گرفتن طلاق از شوهر را می‌دهد. اجباری در مورد طلاق زن وجود ندارد و زن به اختیار خود می‌تواند زندگی زناشویی با همسر را ادامه دهد یا به اختیار خود از وی جدا شود؛ بنابراین، الزام مرد به پرداخت نفقه و بعد از این مرحله، اجازه طلاق به زوجه، ضمانت‌اجراهای مدنی حق نفقه زن در خانواده در قانون مدنی ایران می‌باشد.

نفقه در قانون ایران، ضمانت‌اجرای کیفری نیز دارد؛ اما تحقق آن منوط به شرایطی است. به موجب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ شمسی؛ هر کس که با داشتن استطاعت مالی، نفقه همسر خود را در صورت تمکین ندهد ... دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌کند. این مجازات منوط به

شکایت زن به محکمه می‌باشد و با گذشت وی از مجازات شوهر، دادگاه می‌تواند مجازات را تخفیف دهد یا از اجرای مجازات صرف‌نظر نماید.

بنابر ماده مذکور، شرایط مجازات کیفری مردی که نفقه همسر خود را نمی‌دهد؛ اول، تمکن مالی زوج و دوم تمکین زوجه از همسر است. شرط تمکن مالی زوج صرفاً در ضمانت‌اجرای کیفری نفقه مطرح است و همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در ضمانت‌اجرای مدنی نفقه، عجز یا تمکن مالی زوج تأثیری بر اجازه زن در طلاق ندارد. همچنین ضمانت‌اجرای کیفری نفقه زوجه تنها در مورد نفقه حال زن قابل پیگیری می‌باشد و نفقه گذشته زوجه که از دیون شوهر محسوب می‌شود، تابع قوانین مربوط به دیون و ورشکستگی می‌باشد.

۱-۵- موارد سقوط نفقه زوجه

همان‌گونه که شرایطی در وجوب نفقه زوجه برعهده زوج وجود دارد که ذکر گردید؛ شرایط خاصی نیز وجود دارد که با ایجاد آنها، حق نفقه زوجه ساقط می‌شود. عمده این موارد عبارت‌اند از:

۱-۵-۱- عدم انجام وظایف زوجیت توسط زوجه

گفته شد که تکلیف مرد به دادن نفقه موکول به تمکین زن از اوست. تمکین همان انجام وظایف زوجیت از سوی زوجه است. زن در خانواده در مقابل شوهر وظایفی برعهده دارد که در صورت ایفای آنها، مستحق نفقه از سوی شوهر است و در صورت عدم انجام این وظایف، نفقه وی ساقط می‌شود. در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی ایران چنین مقرر شده است: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.»

در قانون مدنی ایران، وظایفی برای زوجه ذکر شده است که البته وظایف مشترک زن و مرد است و از وظایف انحصاری زوجه به صورت مشخص در قانون ذکر نشده است. این وظایف مشترک بر اساس مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی ایران، حسن معاشرت با همسر و همکاری زوجین با یکدیگر در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزندان است. عدم ذکر وظایف خاص زن در خانواده، از خلأهای قانون ایران در زمینه قوانین نفقه زوجه است. امروزه در دادگاه‌ها با مراجعه به عرف و نیز رجوع به تعالیم اسلامی، وظایف زوجیت زن مشخص می‌شود. وظایف خاص زن در مقابل شوهر در فقه امامیه عبارت از تمکین در برابر خواسته‌های

جنسی شوهر و اذن خواستن از وی در هنگام خارج شدن از منزل است.^{۱۰} بر اساس ماده ۱۱۰۸، اگر زن مانع مشروعی در عدم انجام وظایف زوجیت داشته باشد، با اینکه تمکین صورت نمی‌گیرد، حق زن بر نفقه محفوظ است. بخشی از مصادیق این موانع مشروع، صراحتاً در قانون مدنی ایران ذکر شده است و بخشی دیگر از فقه شیعه قابل دریافت است. در ماده ۱۱۲۷ قانون مذکور یکی از این مصادیق بیان شده که ابتلا شوهر به امراض مقاربتی است. در این حالت زوجه حق امتناع از برقراری رابطه زناشویی با شوهر را دارد بدون اینکه حق وی بر دریافت نفقه ساقط شود.

مورد دیگر که در ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی ایران بیان شده، این است که زوجه با اجازه از دادگاه، به دلیل خوف ضرر مالی یا جانی یا آبرویی؛ منزل جداگانه‌ای از زوج اختیار کرده باشد. در این حالت نیز علی‌رغم عدم تمکین زن از شوهر، حق وی بر نفقه ساقط نمی‌شود. موارد دیگری مانند اینکه زن در دوره عادت ماهیانه یا بارداری یا نفاس (مدت ده روز بعد از زایمان) باشد نیز از مصادیق مانع مشروع می‌باشند که به‌طور ضمنی از ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی ایران و نیز از فقه اسلامی قابل دریافت است.

۱-۵-۲- انحلال نکاح

انحلال نکاح در قانون ایران به شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد؛ مانند فسخ نکاح و طلاق که در ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی ایران اشاره شده است. همچنین انحلال طبیعی نکاح به دلیل فوت یکی از زوجین را نیز باید در نظر داشت. در این حالت سوم، از همان لحظه فوت همسر، حق زن بر نفقه نیز ساقط می‌شود اما در حالت انحلال نکاح به‌وسیله طلاق و فسخ، شامل استثنائاتی در این زمینه می‌شوند. در برخی از انواع طلاق و در حالات خاصی در فسخ نکاح، زوجه تا مدتی بعد از انحلال نکاح نیز حق دریافت نفقه از شوهر را دارد.

طلاق در ایران به دو نوع تقسیم می‌شود: بائن و رجعی. در طلاق بائن برای شوهر حق بازگرداندن نکاح به هیچ شکلی مگر با ازدواج مجدد با همسر قبلی وجود ندارد. در این حالت، از لحظه طلاق، رابطه زوجیت زن و مرد به‌طور کامل از بین می‌رود و مرد وظیفه‌ای در پرداخت نفقه به همسر ندارد مگر در یک مورد. این مورد آن است که زن باردار باشد. در این

۱۰. زین‌الدین بن علی جبعی عاملی (شهید ثانی)، *الروضه البهیمة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ترجمه علی شیروانی و محمدمسعود عباسی (قم: دارالعلم، ۱۳۸۶)، جلد ۱۰، ۱۸۶؛ سید ابوالقاسم خوبی، *منهاج الصالحین* (قم: مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق)، جلد ۲، ۲۸۲.

حالت به سبب حمایت از این زن در دوران بارداری؛ برطبق ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی ایران تا زمان وضع حمل زن، شوهر باید مخارج وی را تأمین کند.

در نوع دوم طلاق که به آن طلاق رجعی می‌گویند، رابطه زوجیت زن و مرد تا مدتی بعد از طلاق که در حقوق ایران به آن «دوران عده» گفته می‌شود، هنوز برخی از وظایف زوجین همچنان پابرجاست. «دوران عده» که از تعالیم اسلامی به قانون ایران وارد شده است، در واقع فرصتی است برای اینکه زن و مرد در صورت پشیمانی از طلاق بدون نیاز به نکاح مجدد، به زندگی زناشویی سابق خود ادامه دهند. این فرصت در راستای اهمیت وافر نهاد خانواده در دیدگاه اسلام و قوانین موضوعه ایران است. در این مدت زن حق ازدواج ندارد و برای ازدواج با فردی به غیر از شوهر سابق خود، باید تا انتهای این مدت صبر کند. این یک دستور شرعی است و در صورت تخلف زن از آن، مجازات‌هایی برای وی در پی دارد.

بر اساس ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی ایران، در این مدت مرد باید همچنان نفقه همسر سابق خود را بپردازد حتی اگر زن باردار نباشد. تنها شرطی که در این مورد وجود دارد، این است که مرد، همسر خود را به دلیل ناسازگاری، طلاق نداده باشد. ناسازگاری و عدم انجام وظایف زوجیت توسط زوجه همان‌گونه که در دوران زناشویی از موارد سقوط نفقه وی به‌شمار می‌رود، در مورد طلاق رجعی نیز از عوامل سقوط نفقه در دوران عده زن است. تحقق هر یک از طلاق‌های بائن و رجعی، شرایط خاصی دارند که بیان این شرایط از حیطه موضوع این پژوهش خارج است.

فسخ نکاح در قانون ایران یکی از راه‌های انحلال نکاح است و با طلاق متفاوت است. فسخ نکاح صرفاً با تحقق عللی خاص بر اساس موارد مشخص شده در قانون مدنی ایران در مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۸، توسط هر یک از زن و مرد قابل اجراء است. این موارد مشخص باید در دادگاه توسط هر کدام از زن و مرد که درخواست فسخ نکاح را دارد، ثابت شود تا دادگاه اجازه فسخ و ثبت قانونی آن را صادر نماید. در فسخ نکاح نیز مانند طلاق بائن تنها در صورتی که زوجه باردار باشد تا هنگام وضع حمل، حق نفقه زن پابرجاست و بعد از تولد کودک، این حق زن ساقط می‌شود.

۲- خلأهای قانون ایران در زمینه نفقه زوجه

در برخی قوانین کنونی ایران در زمینه نفقه زوجه، خلأهایی دیده می‌شود که لازم است به دلیل جلوگیری از سردرگمی قضات و تشتت آرای دادگاه‌ها رفع گردد. این موارد به‌طور کلی عبارت‌اند از:

۱. عدم تصریح قانون به مصادیق تمکین یا وظایف زوجیت زن در خانواده که امتناع از آنها بر اساس قانون، نفقه زن را ساقط می‌کند از موارد خلأ به‌شمار می‌رود. در حقیقت در قانون ایران به وظایف خاص زن در خانواده و حدود و شرایط آنها هیچ اشاره‌ای نشده است و به عرف و یا دریافت قضات از متون شرعی اکتفاء شده است. این مورد می‌تواند با توجه به تفاوت‌هایی که در مناطق مختلف ایران در شرایط خاص خانواده‌ها وجود دارد، ایجاد مشکل نماید. به‌ویژه آنکه در آرای فقها نیز اختلاف‌نظراتی در مورد گستره تمکین و نشوز وجود دارد. لذا حتی اگر ملاک را در تعیین مصادیق تمکین، تعریف آن به اطاعت زن از شوهر در امور واجب بدانیم؛ باز هم به دلیل تفاوت در گستره امور واجب، نمی‌توان حد مشخصی را به راحتی تعیین نمود. برخی از فقها همچون مرحوم طبرسی^{۱۱}، گستره نشوز زوجه را به اندازه گستره اوامر و نواهی همسر می‌دانند و وجوب اطاعت زن از شوهر در هر امری را مطرح نموده‌اند. در مقابل این دیدگاه نظراتی مطرح شده است که این گستره را صرفاً تمکین جنسی می‌دانند و یا کسانی دیگر، اذن خروج از منزل را نیز در این باره مورد تأکید قرار داده‌اند؛^{۱۲}
۲. نقش پررنگ «عرف» در تعیین میزان، کیفیت و مصادیق نفقه: این حالت از سویی بسیار خوب است؛ زیرا انعطاف لازم را برای زمان‌ها و مکان‌های مختلف دارد. از سوی دیگر ممکن است یک عرف غلط که با رسوم و روابط غلط در جامعه خود را نشان می‌دهد، در تعیین میزان نفقه تأثیر گذارد و نسل به نسل در میان افراد جامعه ادامه یابد. دامنه تأمین مایحتاج زندگی در ایران دامنه وسیعی دارد و از پایین‌ترین سطح تا سطوح بسیار بالا را در برمی‌گیرد. از این رو تعیین حد وسطی برای نیازهای متعارف و معقول خانواده از سوی قانون می‌تواند در مواقع اختلاف میان زوجین کارآمد باشد؛

۱۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ق)، جلد ۳، ۶۹.

۱۲. جهت مطالعه تفصیل این آراء نک: طوبی شاکری گلپایگانی، راحله کاردوانی و مهدی وکیلی، «بررسی

فقهی - حقوقی گستره نشوز زوجین و شیوه مواجهه با آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان ۶۴ (۱۳۹۳)، ۱۵۹.

۳. موانع مشروعی که زن می‌تواند با استناد به آنها از تمکین خودداری کند اما حق نفقه او پابرجا باشد نیز به‌طور کامل در قانون احصاء نشده است. همان‌گونه که در مقاله ذکر گردید، بخش زیادی از آنها بیان شده است و بخش کمی هنوز در قانون ذکر نشده است؛

۴. در مورد بار اثبات دعوای نفقه در زمان اختلاف زوجین بر سر نفقه نیز در قانون ایران خلأهایی وجود دارد. در واقع بار اثبات دعوا به‌طور مشخص معلوم نیست که برعهده مرد یا زن می‌باشد. این مورد نیز به تشتت آرای دادگاه‌ها انجامیده است؛

۵. ماهیت حق زوجه بر اموالی که مرد تحت عنوان نفقه در اختیار او می‌گذارد نیز در قانون ایران تصریح نشده است و قضات دادگاه‌ها بر اساس نظر فقهای امامیه و تحلیل حقوق دانان، رأی لازم را صادر می‌کنند.

۳- بررسی جایگاه نفقه زوجه در تحقق عدالت اجتماعی

در راستای بررسی رابطه نهاد نفقه زوجه با مفهوم عدالت اجتماعی لازم است ابتدا شرحی بر مفهوم عدالت اجتماعی و مؤلفه‌های اساسی آن داشت و سپس بر اساس درک این مفهوم در دیدگاه اسلام بتوان به بررسی جایگاه جنسیت و سپس نفقه زوجه در تحقق آن پرداخت؛ چراکه نهاد نفقه زوجه در قانون ایران همان‌گونه که به تفصیل بررسی شد، ریشه در نظام حقوقی اسلام دارد و لذا نسبت آن با عدالت اجتماعی نیز مبتنی بر گستره و مختصات این مفهوم در نظام مذکور قابل فهم است. علاوه بر آن، پیش‌زمینه درک جایگاه نفقه در تحقق عدالت اجتماعی، تعیین رابطه جنسیت و عدالت است. بر این مبنا در سه بخش «مفهوم و مؤلفه‌های عدالت اجتماعی»، «جنسیت و عدالت اجتماعی» و «جایگاه نفقه زوجه در تحقق عدالت اجتماعی» بحث را پی می‌گیریم.

۳-۱- مفهوم و مؤلفه‌های عدالت اجتماعی

از «عدالت» مانند بسیاری از دیگر مفاهیم رایج، قرائت‌ها و تعاریف متکثری ارائه شده است. «تحقق عدالت اجتماعی بر اساس ضوابط اسلامی»، از شاخصه‌هایی است که به‌صورت مکرر در سیاست‌های کلی نظام مورد تأکید واقع شده است.^{۱۳} بر این اساس، فهم معنا و گستره

۱۳. برخی از مهم‌ترین اسناد شامل این گزاره عبارت‌اند از: قانون اساسی، برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه، سیاست‌های کلی اشتغال زنان، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، سند چشم‌انداز نظام در افق ۱۴۰۴.

«عدالت» در این نظام، می‌بایست مبتنی بر دیدگاه اسلام صورت گیرد. در این دیدگاه، ریشه لغوی عدالت، «عَدَل» یا «عِدَل» می‌باشد که در معنا نزدیک بوده، معادل «برابری، مساوات و همسانی» است.^{۱۴}

این مفهوم در اصطلاح، عمدتاً به معنای «میان‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری» است و به اذعان علامه طباطبایی، از حیث مفهومی، بر مدار «مساوات» و اقامه آن میان امور قرار دارد و در جوهر آن دو معنای دیگر قابل استخراج است: الف) قرار گرفتن هر چیزی در جای خود؛ ب) دادن حق هر صاحب حقی یا دادن هر کسی، آنچه را که به حکم عقل یا شرع یا عرف، سزاوار و شایسته آن است.^{۱۵} در دیدگاه استاد مطهری نیز مفهوم «عدالت» در معانی و کاربردهای «توازن و تعادل»، «تساوی در جایی که شرایط مساوی حاکم باشد»، «تفاوت در شرایط متفاوت نسبت به فرد و جامعه و بر اساس استعدادها، استحقاق‌ها مجاهدت‌ها و مراقبت‌ها»، «دادن حق هر صاحب حقی با رعایت استحقاق در افاضه وجود و حقوق» و «قرار گرفتن هر چیزی در جای خود» به کار رفته است.^{۱۶}

تعاریف مطرح شده، عمدتاً برآمده از مفهوم و کاربرد واژه «عدل» و واژگان مرتبط با آن مانند «قسط»، «قسطاس»، «میزان»، «موزون»، «استواء»، «تسویه» و «وسط» در قرآن کریم می‌باشد. برخی از این کاربردها عبارت‌اند از عدل در صدور حکم و حاکمیت (نساء/ ۵۸، مائده/ ۹۵ و شوری/ ۱۵)، عدل در قول (انعام/ ۱۵۲)، عدل به عنوان شایستگی لازم در ازدواج مجدد (نساء/ ۳)، عدل به معنای فدیة (بقره/ ۴۸ و ۱۲۳)، عدل در ادای شهادت (مائده/ ۱۰۶ و طلاق/ ۲) عدل به معنای شرک (انعام/ ۱ و نمل/ ۶۰)، عدل در جایگاه صفت باری تعالی (آل عمران/ ۱۸ و انعام/ ۱۱۵)، عدل به معنای توازن و تعادل (انفطار/ ۷)، عدل به عنوان شرط لازم در ایجاد صلح و آشتی (حجرات/ ۹) و در معاملات (اعراف/ ۸۵) و ...

بر مبنای این تعاریف می‌توان گفت «عدالت» از دیدگاه اسلام، مفهومی چندلایه و گسترده است که ذیل آن، معانی متفاوتی که ممکن است در ظاهر امر، بعضاً متعارض با یکدیگر به نظر برسند، بیان شده است؛ اما باید اذعان داشت که صدق مفهوم «عدالت» بر تمامی این موارد، امکان عقلی و عملی دارد؛ زیرا با انضمام راهبردهای متفاوت، متناسب با ویژگی‌ها و

۱۴. محمدبن مکرّم ابن منظور، *لسان‌العرب* (بیروت: نشر ادب‌الجوزة، ۱۴۰۵ ق)، جلد ۱۱، ۱۱.

۱۵. محمدحسین طباطبایی، *تفسیر المیزان* (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴)، جلد ۶، ۳۰۱-۲۹۷ و جلد ۱۲، ۴۷۸-۴۷۷.

۱۶. مرتضی مطهری، *عدل الهی* (تهران: صدرا، ۱۳۷۷)، ۸۴-۷۸.

نیازهای گروه‌های مختلف افراد در جامعه، امکان تحقق آرمان عدالت اجتماعی در عمل ایجاد می‌شود. بر این اساس، موضع خاص دیدگاه اسلام نسبت به برابری، در وارد دانستن شرط «تساوی در شرایط» در لحاظ قانون برابر می‌باشد. این شرط در واقع محقق اصل «تناسب» است که جمع دو گزاره «قانون مساوی برای شرایط مساوی» و «قانون متفاوت برای شرایط متفاوت» را دربردارد.

عدالت مطابق اعتقاد شیعه، در ردیف ریشه‌های دین قرار گرفته و از اصول پنج‌گانه دین به‌شمار می‌آید. اعتقاد و عدم اعتقاد به عدل بیانگر مذهب شیعه بوده و این اصل در کنار امامت، به‌عنوان نشانه تشیع تلقی می‌گردد. عدل همچنین به‌عنوان پایه امور مطرح بوده و حتی بر احسان که از بهترین نوع خوبی‌هاست، مقدم می‌باشد. شهید مطهری برای توضیح این مسئله، آن را در قالب مثالی توضیح داده‌اند که به درک بهتر مطلب کمک می‌کند: «عدل در اجتماع به‌منزله پایه‌های ساختمان است و احسان از نظر اجتماع به مقوله رنگ‌آمیزی نقاشی و زینت ساختمان است. اول باید پایه درست باشد تا بعد نبوت به زینت و رنگ‌آمیزی برسد. اگر خانه از پای‌بست ویران است دیگر چه فایده که خواجه در بند نقش ایوان باشد، اما اگر پایه محکم باشد، در ساختمان بدون نقاش و رنگ‌آمیزی هم می‌توان زندگی کرد. گرچه گاهی ممکن است ساختمان فوق‌العاده نقاشی خوبی داشته و ظاهرش جالب و آراسته باشد.»

به اعتقاد استاد مطهری نیز تصریح قرآن بر اینکه نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن استوار است، به‌معنای خلق هستی بر اساس استحقاق‌ها و قابلیت‌ها می‌باشد.^{۱۷} ایشان مصداق عدل الهی در شأن خالقیت حق تعالی را این‌گونه توصیف می‌کند: «عدل الهی، رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد، می‌باشد؛ و در توضیح این تعریف آورده است: «هر موجودی در هر مرتبه‌ای که هست از نظر قابلیت استفاضه، استحقاقی خاص به خود دارد. ذات مقدس حق که کمال مطلق و خیر مطلق و فیاض علی‌الاطلاق است، به هر موجودی آنچه را که برای او ممکن است از وجود و کمال وجود، عطا می‌کند و امساک نمی‌نماید.»^{۱۸} بر اساس این نظریه، عدل الهی در نظام تکوین، یعنی هر موجودی هر درجه از کمال وجود که استحقاق و امکان آن را دارد، دریافت می‌کند. این مفهوم برآمده از فرازهایی از قرآن کریم می‌باشد؛ مانند آیه ۵۳ از سوره مبارکه

۱۷. همان، ۳۵.

۱۸. همان، ۵۷.

طه که می‌فرماید: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»: پروردگار ما به هر موجودی آن بهره از خلقت را داد که شایستگی آن را داشت و سپس آن را در راهی که باید برود راهنمایی کرد.» همچنین قرآن در بیان ظرفیت‌ها و استحقاق‌های طبیعی، به آب باران که از بالا می‌ریزد و تدریجاً سیل تشکیل می‌دهد و آب در بستر نهرها، جوی‌ها و رودخانه‌های مختلف قرار می‌گیرد، مثل می‌زند و می‌فرماید: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا» (رعد/ ۱۷): خدا از آسمان آبی فرود آورد و هر رودخانه‌ای به قدر ظرفیت خودش سیلان یافت.»

عدالت در سه حوزه مهم معارف بشری، به صورت مسئله‌ای اساسی مورد توجه قرار گرفت:

۱. در حوزه فلسفه و کلام، وصف فعل ربوبی؛
 ۲. در حوزه علم اخلاق، وصف فعل انسان؛
 ۳. در حوزه اجتماعی، وصف قوانین و روابط اجتماعی انسان‌ها.^{۱۹}
- بر مبنای آموزه‌های قرآن کریم، مؤلفه‌های «عدل الهی» در نظام تشریح را می‌توان در چهار مقام ارزشمندی، تکلیف، قضاوت و جزا بررسی نمود.

۳-۱-۱- ارزشمندی

ارزشمندی و برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر در پیشگاه خداوند که متصف به صفت «عدل» می‌باشد، منوط به ملاکاتی است که برآمده از تفاوت‌های تکوینی و جبری نبوده، بلکه حاصل دستاوردهای اختیاری انسان در مسیر هدایت می‌باشد. به این معنا که همه انسان‌ها در منظر حق تعالی از هر جهت یکسان و برابرند و هیچ انسانی نزد او بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا (حجرات/ ۱۳). همچنین بحث از ملاکات ارزشمندی در دیدگاه اسلام را می‌توان در سلسله‌آیاتی جستجو کرد که به شیوه استفهام انکاری، بر تفاوت گروه‌های مختلف در پیشگاه خداوند بر مبنای معیارهایی که فطرت و عقل آدم تأکید می‌کنند، اشاره دارند؛ مانند آنکه می‌فرماید:

«أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (ص/ ۲۸) آیا مؤمنین و کسانی را که عمل شایسته انجام می‌دهند مانند مفسدین قرار داده و آیا متقین را همچون فجار و جنایتکاران قرار می‌دهیم؟»

۱۹. عزت‌الله فرشادفر، عدالت در نهج البلاغه (کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی، ۱۳۸۶)، ۳۲۷.

«أَفَجَعَلَ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (قلم/ ۳۵): آیا مسلمانان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟»

«أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ (سجده/ ۱۸): آیا مؤمن و فاسق یکسانند؟ نه، برابر نیستند.»

«أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (جاثیه/ ۲۱): آیا گناهکاران گمان دارند که ما آنها را همچون مؤمنین و کسانی که عمل صالح انجام داده‌اند، قرار می‌دهیم؟»

بر این اساس، قرآن کریم امتیازات موهوم ساخته اجتماعات بشری را در تعیین ارزشمندی انسان‌ها نفی و بر امتیازات حقیقی همچون ایمان، اسلام، عمل صالح و تقوا تأکید می‌کند.

۳-۱-۲- تکلیف

در مقام تکلیف، حکمت و عدل الهی اقتضاء می‌کند که از یک‌سو وضع تکالیف و جعل قوانینی که سعادت انسان در گرو آن است صورت گیرد و از سوی دیگر، هیچ انسانی به عملی که بیش از طاقت و استطاعت اوست، مکلف نشود. ارسال رسل همراه با کتاب و میزان (حدید/ ۲۵)، در راستای تحقق بُعد اول از این مؤلفه است. لذا به‌طور کلی، اصول نبوت و امامت که از اصول بنیادین مذهب تشیع به‌شمار می‌روند، ضامن رهبری انسان‌ها در مسیر هدایت به‌وسیله جعل قوانین و تشریح حقوق و مسئولیت‌ها می‌باشند. همچنین، خداوند به‌صراحت در قرآن کریم بر این اصل عقلی تأکید کرده است که هر انسانی را به اندازه استعداد و اقتضای وجودی‌اش مکلف ساخته است. می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (بقره/ ۲۸۶): خداوند هیچ‌کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند.»

۳-۱-۳- قضاوت اعمال

پس از ابلاغ قوانین، مرحله قضاوت اعمال انسان‌ها فرامی‌رسد؛ چراکه در صورت فقدان دادرسی و جزا نسبت به اعمال، حکمت شارع مورد تردید است. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۲۱۴ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «فَلَمْ يُجَزَّ فِي عَدْلِهِ وَ قِسْطِهِ يَوْمَئِذٍ حَرْقَ بَصَرٍ فِي الْهَوَاءِ وَ لَاهِمَسَ قَدَمٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا بِحَقِّهِ: پس دیده‌ای در فضا گشاده و گامی آهسته در زمین نهاده نماند، جز آنکه در ترازوی داد و در محکمه عدل و داد حق‌تعالی، آن را که درخور است، ستاند.»

«عدل الهی» در مقام قضاوت یعنی خداوند هیچ عملی را هرچند ناچیز و کوچک باشد، از هیچ انسانی ضایع نمی‌کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَقَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (یونس / ۵۴): میانشان به عدالت حکم شود و مورد ستم واقع نگردند.» و «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ (انبیاء / ۴۷): ترازوهای عدالت را در روز رستاخیز می‌نهییم. به احدی هیچ ستمی نخواهد شد و اگر هم وزن دانه خردل باشد، آن را می‌آوریم. این بس که ما حساب‌گر هستیم.»

۳-۱-۴- جزادهی

عدل جزایی در جایگاه صفت خداوند، به معنای آن است که باری تعالی در مقام پاداش و کیفر بندگان خویش، جزای هر انسانی را متناسب با اعمالش مقرر می‌کند. چنان که در قرآن کریم می‌فرماید: «فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (یس / ۵۴): آن روز به کسی ستم نمی‌شود و جز همانند کاری که کرده‌اید، جزا نمی‌بینید.»

در آیات متعدد دیگری نیز بر تناسب نوع عمل انسان و جزای اخروی وی تأکید شده است. حتی در برخی از آیات، با رویکردی کلان، بر اضافاتی چون جزاء الکافرین (بقره / ۱۹۱ و توبه / ۲۶)، جزاء الظالمین (مائده / ۵۹)، جزاء المحسنین (مائده / ۸۵)، جزاء بما کانوا یکسبون (توبه / ۸۲) و ... تأکید می‌کند.

جزادهی نسبت به اعمال انسان، به موضوع جبر و اختیار مربوط می‌شود و این بحث، خودبه‌خود بحث «عدل» را به میان می‌آورد؛ زیرا رابطه مستقیمی است میان اختیار و عدل از یک‌سو و جبر و نفی عدل از سوی دیگر. یعنی تنها در صورت اختیار است که تکلیف و پاداش و کیفر عادلانه، مفهوم و معنا پیدا می‌کند.^{۲۰}

«عدالت اجتماعی» تصدیق مفهوم کلان عدالت در ساحت اجتماعی محسوب می‌شود که در ارتباط با رفتار اجتماعی افراد از یک‌سو و نهادهای اجتماعی از سوی دیگر، موضوعیت می‌یابد. از «عدالت اجتماعی» تعریف واحدی وجود ندارد. برخی آن را به معنای کاهش نابرابری‌ها در زمینه قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و برخورداری از منابع اقتصادی تعریف کرده‌اند. گروهی نیز آن را توزیع قابل‌دفاع سودها یا پاداش‌ها در جامعه می‌دانند.^{۲۱} در گفتمان کنونی، عدالت اجتماعی تنها به برقراری برابری اقتصادی و طبقاتی اشاره ندارد. بلکه توجه به

۲۰. مطهری، پیشین، ۱۸.

۲۱. سید رضا صالحی امیری، عدالت اجتماعی (تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷)، ۷.

تفاوت‌های نژادی، قومی و جنسیتی نیز بخشی از مسائل مربوط به آن را تشکیل می‌دهد.^{۲۲} محور بنیادین و شرط تحقق عدالت اجتماعی در رویکرد نوین، با لحاظ سیاست تفاوت که منوط به شنیده شدن صدای گروه‌های سرکوب‌شده و حاشیه‌ای در گفتگوهای سیاسی و اجتماعی است، ایجاد شرایط برابر و آزاد برای کسب و ظهور توانایی و قابلیت لازم برای دسترسی افراد جامعه به کالاها و خدمات می‌باشد. در جوهره این تعریف مانند آنچه از دیدگاه اسلام مطرح گردید، دو بُعد «ایجاد شرایط برابر» و «جبران ناتوانی‌های زمینه‌ای» در تحقق عدالت اجتماعی نهفته است. به شکلی که اندرو هیوود^{۲۳} نویسنده بریتانیایی نیز در تعریف عدالت اجتماعی تأکید کرده است. در این دیدگاه عدالت اجتماعی عبارت است از: «به هر کس طبق نیازش»، «به هر کس طبق حقوقش» و «به هر کس طبق سزاواری‌اش».^{۲۴}

۳-۲- جنسیت و عدالت اجتماعی

بر اساس آیات مذکور در بخش قبل ذیل هر یک از مؤلفه‌های عدل الهی، می‌توان ادعان داشت؛ جنسیت و تفاوت‌های طبیعی انسان‌ها از جهت جایگاه انسان‌ها در مقام عدل الهی تأثیری ندارد و مبتنی بر نفس انسانی است و نه عارضه جنسیتی؛ و اما این امر نافی پذیرش تفاوت‌ها در نظام هستی نیست لازمه نظام‌مند بودن کل هستی، وجود مراتب و درجات متفاوت در آن است و این امر، منشأ پیدایش تفاوت‌ها می‌باشد. همچنین نظام هستی با مجموعه‌ای از روابط علی و معلولی خلق شده که هر یک از انواع موجودات در آن از جایگاه احسن و ویژه خود برخوردارند. قرآن کریم در ترسیم این جایگاه می‌فرماید: «الذی أَحْسَنَ كُلُّ شِئٍ خَلَقَهُ (سجده/ ۷): آنکه هرچه را آفرید، به نیکوترین وجه آفرید.» همچنین به تصریح قرآن کریم، هر شیء و پدیده در جهان هستی، مقام و مرتبه خاصی دارد: «إِنَّا كُلَّ شِئٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر/ ۴۹): ما همه چیز را با اندازه و قدر مشخص آفریده‌ایم.»

وجود تفاوت میان موجودات، کثرت و تنوع ایجاد می‌کند و به این صورت، به وجود مجموعه یا نظام معنا می‌دهند. قرآن کریم، این تفاوت‌ها را اعم از آنکه در الوان، شب و روز، زبان‌ها، انسان‌ها و ... باشد، از آیات و نشانه‌های قدرت حکیم و حاکم لایزال برشمرده، می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ إِذَا حَمَلْنَ مِنْكُمْ وَهُنَّ كُنَّ حَمْلًا مَعْرُوفًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (سجده/ ۴۹).

۲۲. همان، ۱۴.

23. Andrew Heywood

۲۴. اندرو هیوود، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمان عالم (تهران: قومس، ۱۳۸۳)، ۴۴۱.

لِّلْعَالَمِينَ (روم / ۲۲): و از نشانه‌های قدرت او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شما آدمیان است. در این امر، عبرت‌هایی است برای دانیان.» و «وَمَا ذَرَأْنَا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (نحل / ۳۳): در زمین چیزهایی با رنگ‌های گوناگون آفرید، در این امر، عبرتی است برای مردمی که پند می‌گیرند.»

برای شکل‌گیری نظام اجتماعی انسان‌ها نیز وجود استعدادهاى مختلف لازم و ضروری است و اگر همه انسان‌ها از شرایط کاملاً یکسانی برخوردار باشند، آن‌گونه که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند، امکان رفع نیازهایشان وجود ندارد و به نابودی کشیده می‌شوند. ایشان می‌فرمایند: «لايزال الناس بخير ما تفاوتوا و اذا استووا هلكوا؛ تا مردم با هم متفاوتند در خیر و رفاهند ولی هنگامی که یکسان شوند، هلاک می‌شوند.»^{۲۵}

می‌توان گفت مهم‌ترین منابع کشف عدالت در دو مورد زیر می‌باشد:

۱. حقوق طبیعی: بنا به تعریف ارائه‌شده در باب عدالت، انسان صاحب حق بوده و ریشه این اصل ناشی از دستگاه آفرینش و خلقت می‌باشد. بدان خاطر که دستگاه آفرینش استعدادهایی را در انسان به ودیعه گذارده است که هرکدام از آنها مقتضای حقوق طبیعی است. از جمله آنها استعداد فکر کردن در انسان است که بر مبنای آن حق آزادی تفکر، حق آزادی بیان، برابری در مقابل قانون، حق مالکیت و ... الزامی می‌باشد و بر همین مبناست که استاد مطهری در نظام اندیشه خود بر مفهوم حقوق طبیعی تکیه داشته و به‌عنوان منشأ عدل، آن را ناشی از حقوق ذاتی و فطری انسان دانسته که خدا به ما واگذار کرده است؛

۲. قرآن: تمامی اصول و اهداف اسلامی در قرآن، اعم از توحید، معاد، نبوت و امامت، بر محور عدل استوار بوده و لذا در قرآن کریم نظری خاص بر این اصل دیده می‌شود. عارضه «جنسیت» به‌عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی تمایز طبیعی انسان‌ها در حیات مادی، سلسله تفاوت‌هایی را در کارکردها، حقوق و مسئولیت‌های زن و مرد ایجاد می‌کند. به این تفاوت‌ها که ناشی از تمایز انسان‌ها از نظر ذکورت و انوثة می‌باشند و در ساحت‌های تکوینی و تشریحی تسری یافته‌اند، تفاوت‌های جنسیتی اطلاق می‌شود.

۲۵. محمدتقی اصفهانی، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه* (قم: مؤسسه فرهنگی کوشان‌پور، ۱۴۰۶

صاحب‌المیزان در تحلیل جایگاه «جنسیت» در نظام تکوین می‌فرماید: «مشاهده و تجربه گواه هستند که مرد و زن دو فرد از یک نوع با جوهری واحد هستند که همان انسان باشد، چون جمع‌آوری که در صنف مردان دیده می‌شود، در صنف زنان نیز بدون تفاوت دیده می‌شود و ظهور آثار نوعی دلیل بر تحقق موضوع در هر دو است. البته اختلاف به ضعف و شدت در بعضی آثار مشترک دیده می‌شود، لکن چنین اختلافی وحدت نوعی را به هم نمی‌زند.»^{۲۶}

در ساحت تشریح، نسبت حقوق و تکالیفی که هر یک از انسان‌ها در جامعه و نسبت به یکدیگر دارند، بخشی از فهم چگونگی تحقق عدالت اجتماعی است که یکی از ابعاد اصلی مفهوم کلی عدل به‌شمار می‌رود. جنسیت در جایگاه امری تکوینی، به‌طور گسترده حقوق و تکالیف متفاوتی را برای هر یک از زن و مرد رقم می‌زند^{۲۷} و به همین دلیل، موجب سؤال یا ایجاد شبهه در فهم تفاوت‌های جنسیتی از منظر عدل الهی می‌شود.

از مبادی بحث پیرامون موضوع «جنسیت و عدالت تشریحی»، تبیین تأثیر جنسیت بر ارزشمندی انسان در پیشگاه حق تعالی می‌باشد. در این راستا لازم است جهان‌بینی اسلام و نظام ارزشی آن را به‌درستی شناخت.^{۲۸}

ارزش‌ها از نظر اهمیتی که دارند، یکسان نبوده و در مجموعه‌ای جای دارند که «نظام ارزشی» نامیده می‌شود. هر نظام ارزشی، مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که بر پایه‌ای از مبانی موردوثوق نظام و به‌طور عام، جهان‌بینی آن، بر اساس اهمیت نسبی، مرتب شده و در یک بنای پلکانی نظم می‌یابند. نظام ارزشی دین اسلام، بر جهان‌بینی وحیانی استوار است؛ یعنی مبتنی بر صدور تمامی انواع ارزش‌ها از منبعی الهی است. همچنین، دیدگاهی توحیدی بر این جهان‌بینی حاکم است، به این معنا که این دیدگاه، جهان را «یک‌قطبی» و «تک‌محوری» ترسیم می‌کند و برای جهان‌ماهیت «از اوئی» و «به سوی اوئی» قائل است.^{۲۹}

۲۶. طباطبایی، پیشین، جلد ۴، چاپ بیستم، ۸۹.

۲۷. برای مطالعه مشروح تفاوت‌های زن و مرد در حقوق و تکالیف از دیدگاه اسلام، نک: حسین بستان، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸)، ۴۵-۳۰.

۲۸. برای مطالعه بیشتر پیرامون جایگاه جنسیت در نظام ارزشی اسلام، نک: کاردوانی، «واکاوی ارزش‌های جنسیتی زن در دیدگاه مکتبی اسلام»، پیشین، ۸۰.

۲۹. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن (قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶)، جلد ۱، ۷۲.

جایگاه «جنسیت» در نظام ارزشی اسلام، با عنایت به آیات شریفه قرآن کریم و فرمایشات ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) تعیین می‌شود. خداوند تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّا اللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات / ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ملت و قبیله‌قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. درحقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.»

«جنسیت» در این فرموده حق تعالی، مانند تفاوت در ملل و قبایل ترسیم شده و فحوای آیه شریفه، دربردارنده نگاه عارضی به تمامی اعتباراتی چون قومیت، نژاد، رنگ، جنسیت و ... است. این نگاه، از یک‌سو هرگونه تبعیض مبتنی بر این‌گونه اعتبارات را از میان می‌برد^{۳۰} و بدین‌وسیله ناهنجاری‌های گوناگون و شکاف‌های اجتماعی معلول این امور را برطرف می‌سازد و موجب وحدت، اتحاد و تقویت انگیزه‌ها می‌شود و از سوی دیگر زمینه رقابت و مسابقه در کسب فضایل و پاکی‌ها را فراهم می‌سازد و چون تقوا فقط به امور فردی مربوط نیست بلکه هر ساحت و زمینه‌ای (اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و ...) تقوای متناسب خود را طلب می‌کند، قوی‌ترین و بهترین ضمانت‌اجرایی برای اصلاح، مراقبت و پیشرفت فردی و جمعی در اسلام وجود دارد.

آموزه‌های قرآنی دیگری نیز به‌وفور بر برابری ارزش انسانی زن و مرد تصریح کرده‌اند. آیاتی که زن و مرد را از یک جنس (نساء / ۱)، در زمره صاحبان اندیشه و برخوردار از نتیجه اعمال صالح و مستحق حیات طیبه و بهشت جاویدان می‌دانند (آل عمران / ۱۹۵-۱۸۹، نساء / ۱۲۴، نحل / ۹۷، غافر / ۴۰ و ...)، در کنار فزاینده‌ای که مردان و زنان مؤمن را یاوران هم و مسئول گسترش دین می‌شمارند (توبه / ۷۱) و آنان را دارای مسئولیت مشترک و دشمن مشترک می‌دانند (بقره / ۳۵، اعراف / ۲۲-۱۸ و طه / ۱۲۱-۱۱۷)؛ جایگاه مساوی زن و مرد را در نزد پروردگار نشان می‌دهند. برخی از آیات قرآن نیز در نشان دادن جایگاه زنان پای را فراتر می‌نهند و برخی از زنان را اسوه‌ای مثال‌زدنی برای تمام انسان‌ها از جمله مردان می‌شمارند (تحریم / ۱۱).

همچنین در حدیثی از امام معصوم (ع) نقل شده است که فرموده‌اند: «المرأة الصالحة خير من ألف رجل غير صالح»^{۳۱} یک زن صالحه شایسته، بهتر است از یک هزار مرد ناصالح. این روایت با طرح عدد کثرت، در پی اثبات برتری و شایستگی، به واسطه میزان عمل صالح افراد و عدم تأثیر جنسیت بر برتری انسان‌ها بر یکدیگر می‌باشد.

نتیجه اینکه در نظام ارزشی اسلام «جنسیت» که به ساحت جسم انسان اشارت دارد، به‌مثابه ابزاری در خدمت انسان‌ها و در راستای تحقق هدف غایی خلقت آنان می‌باشد. از این رو میزان ارزشمندی انسان‌ها در این دیدگاه، وابسته به میزان اعمال آنها در ترازوی تقوا، ایمان و عمل صالح است؛ و اما آنچه حقوق و تکالیف زن و مرد را مبتنی بر جنسیت آنها متفاوت می‌کند، رابطه هویت و حق در نظام تشریح است. یک اصل اساسی در درک مفهوم حق، آن است که «حق هر موجودی، متناسب با هویت آن موجود است.»^{۳۲} توضیح آنکه اگر برای هر یک از جمادات، حیوانات، انسان‌ها و حتی خداوند حقی لحاظ شود، هر یک متناسب با هویت و سنخ ماهیت آنها بوده و با یکدیگر متفاوت هستند چون ذات و هویت این موجودات با هم تفاوت دارد.

بنابراین در نظام حقوقی اسلام یکی از اصول پذیرفته شده آن است که تشریح حق، برخاسته از ذات و هویت انسانی است و به همین خاطر زن و مرد ابتدائاً به دلیل اشتراک در این هویت انسانی، دارای سلسله حقوق مشترک انسانی بوده و تفاوت‌های حقوقی آن دو فرع بر این همانندی است؛ بنابراین هر حق یا تکلیف جنسیتی که ناقض شأن انسانیت و همچنین حقوق الهی انسان باشد، در نظام حقوقی اسلام قابل قبول نمی‌باشد.

«عدالت جنسیتی» از اقسام عدالت اجتماعی و یکی از مختصات نظام قانونگذاری اسلام مبتنی بر پذیرش و تأکید بر ارتباط دوگانه تکوین و تشریح در حوزه جنسیت می‌باشد. این مفهوم در برخی از نظام‌های قانونگذاری با گزاره «برابری جنسیتی» معنا و مصداق یافته است. به طوری که جهت‌گیری در تنظیم روابط خانوادگی زن و مرد مبتنی بر برابری دو جنس و تلاش برای یکسان‌سازی حقوق و تکالیف آنها می‌باشد.^{۳۳} این در حالی است که برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه به ایجاد حوزه عمومی ناهمگون نیاز داریم تا در چهارچوب

۳۱. الحر العاملی، پیشین، جلد ۲، ۱۷۲.

۳۲. عبدالله جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام (قم: نشر اسراء، ۱۳۸۵)، ویرایش دوم، ۳۵.

۳۳. برای مطالعه بیشتر، نک: فاطمه فکور و علی پورقصاب امیری، «تبیین مفهوم عدالت جنسیتی در اسلام و

غرب»، مجله بانوان شیعه ۲۹ (۱۳۹۱)، ۳۶-۷.

آن، افراد با حفظ ویژگی‌های خاص بودنشان در اقسام رنگ، نژاد، جنسیت و ... بتوانند به تأمین نیاز و بهره‌مندی از قابلیت‌ها دست یابند. لذا پذیرش و مهم انگاشتن ارتباط تکوین و تشریح در قانونگذاری، دارای پشتوانهٔ عقلانی و مطابق با واقعیات است.

۳-۳- جایگاه نفقهٔ زوجه در تحقق عدالت اجتماعی

اقدامات اسلام برای برقراری عدالت اجتماعی از نگاه استاد مطهری بر دو نوع است. کار به‌عنوان وظیفه اجتماعی - انسانی به همراه ایجاد امکانات مساوی برای همگان زیربنای اصلی درجهت سالم‌سازی تلاش‌های جامعه بوده و در ارتباط با تعارض بین مصالح فرد و اجتماع، آن اصلی را که باید در همه حال در نظر داشت تا قوانین فرعی از آن استنباط شود، این است که مجموع دارایی‌های اجتماع متعلق به همه افراد بوده و مصلحت خاص افراد تنها با مراعات مصلحت عمومی اجتماعی قابل احترام می‌باشد و لذا در صورت تعارض بین مصالح فرد و اجتماع بدون هیچ‌گونه تردیدی، مصالح جمع مقدم بر مصالح فرد می‌گردد. همچنین بر مبنای این اصل دیگر ارتباطات اجتماعی و نیز خانوادگی را می‌توان تحلیل و تبیین نمود.

عدالت، معیار و پایه و اساس روابط انسانی، به‌ویژه روابط اقتصادی است و معیار حقانیت حقوق و قوانین را نیز به عادلانه بودن آن است. در فرایند تولید، توسعه، بازار کار و همچنین رشد اقتصادی هر جامعه، زنان نقش بسزائی ایفاء می‌کنند. به‌طوری‌که هم نیازهای مربوط به خود و خانواده را برطرف می‌کنند و هم جامعه از خدمات و تخصص‌های آنان بهره‌مند می‌شود. از طرفی اسلام به زن استقلال مالی و آزادی کامل اقتصادی داده و نه تنها دست مرد را از اموال او کوتاه کرده، بلکه حق قیمومیت در معاملات زن را که سابقه تاریخی داشته از او گرفته، از طرف دیگر مسئولیت تام این مخارج خانواده را بر دوش مردان قرار داده است که حکمت این مسئله جانب‌داری از زن یا مرد نیست بلکه اسلام سعادت بشر را در نظر گرفته است. زنان از طرفی به تناسب جنسیت در حوزه‌های مادری، همسری و مدیریت خانه، نقش بسزائی دارند.

در منش توحیدی، زوجیت، وحدت برخاسته از جذب و انجذابی حکیمانه است که تحقق عدالت در عین قوام‌یابی اصول ارزشی دیگری چون کرامت انسانی، امنیت و سکونت، مودت و رحمت، احسان و مروّت صورت می‌پذیرد.

تقسیم کار بر اساس جنس، به فرایندهایی اطلاق می‌شود که در آنها، وظایف بر اساس جنس تقسیم می‌شوند. بسیاری بر این عقیده‌اند که جنس و سن، قدیمی‌ترین اشکال تقسیم

کار را ارائه می‌دهند. علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهد که نهادهای دینی که هنجارهای فرهنگی، قوانین اجتماعی و رفتارها را شکل می‌دهند، اثرات قابل ملاحظه‌ای بر استحکام نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی دارند. اسلام در این زمینه جهان‌بینی خاص خود را دارد و علی‌رغم پذیرش حق زنان در ورود به فعالیت‌های اقتصادی، قائل به تقسیم کار مبتنی بر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد است.

از آنجاکه مقوله کار و توزیع درآمد از مهم‌ترین جنبه‌های مربوط به عدالت اجتماعی است و عارضه جنسیت به دلایل طبیعی بر میزان و چگونگی کسب درآمد در جامعه مؤثر است، لذا نهاد «نفقه» از مهم‌ترین وجود مؤثر و متأثر از عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود.

نفقه زوجه همان‌گونه که در شرح تفصیلی آن گذشت، یک رابطه مالی فی‌مابین زوجین به‌شمار می‌رود. بدیهی است که شرایط جسمانی و مهم‌تر از آن فرصت و شرایط عمدتاً نابرابر زن و مرد در فعالیت اقتصادی و کسب درآمد با لحاظ وظایف گسترده زن ایرانی در امور همسری و مادری و وجود قوانینی دیگر در حوزه خانواده مانند نیاز به اجازه شوهر در اشتغال زن، اقتضای ایجاد تبعیض‌هایی مثبت در راستای جبران آن تفاوت‌ها را می‌نماید. یکی از راهبردهای تبعیض مثبت در ایران، تمهید نفقه زوجه می‌باشد که از یک‌سو هدف تأمین مالی زن را در نظر دارد و از سوی دیگر هم‌راستا با دیگر احکام و قوانینی است که اشتغال را برای زنان محدود نموده است؛ مانند ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی که اذعان داشته: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.» و نیز ماده ۱۱۰۵ این قانون که با فحواي «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است»؛ نوعی اختلاف نظر در خصوص حق زوج در اذن خروج همسر را موجب شده است. مطابق نظر مشهور فقها، خروج زن، بدون اجازه از منزل شوهر در حال نشوز محسوب می‌شود؛ امری که به سقوط نفقه زوجه می‌انجامد. رویه قضایی و نظریه مشورتی مشخصی نیز در رفع این ابهام وجود ندارد.

نکته دیگر آن است که در نظام قانونگذاری ایران که عمدتاً برآمده از دیدگاه اسلامی است، زنان نیز در همان راستای تحقق عدالت اجتماعی که آنها را مستحق دریافت نفقه دانسته، در برخی موقعیت‌ها و با لحاظ شرایطی، مکلف به پرداخت نفقه می‌باشند؛ مانند نفقه اقارب شامل فرزند و والدین. به‌موجب ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی: «نفقه ابویین با رعایت الاقرب فالاقرب به‌عهده اولاد و اولاد اولاد است.» در اینجا شرط ذکوریت موضوعیت ندارد و تنها دو شرط تمکن منفق (ماده ۱۱۹۸) و نیاز مالی مستحق انفاق (ماده ۱۱۹۷) است که

مطرح می‌باشد. از سوی دیگر در ماده ۱۱۹۹ قانون مذکور اشاره دارد که نفقه اولاد برعهده پدر است و پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به‌عهده اجداد پدری است و در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه برعهده مادر است؛ یعنی زنان با لحاظ مراتب مندرج در ماده مذکور در برخی شرایط مکلف به تأمین نیازهای مالی فرزندان می‌باشند؛ اما آنچه در هیچ قانونی مورد اشاره قرار نگرفته و به نظر می‌رسد وجه نقصان تأمین عدالت جنسیتی در قانون ایران می‌باشد، لحاظ شرایطی است که زوج به هر دلیل ممکن مانند بیماری، نداشتن تخصص کافی، وضعیت اقتصادی کشور و ... به صورت موقت یا دائم دچار ضعف مالی گردیده و در مقابل، زوجه‌ای دارد که دارای قدرت مالی مناسبی است. در این شرایط، بر اساس قانون ایران همچنان مرد مکلف به پرداخت و زن مستحق مطالبه نفقه می‌باشد بدون آنکه کوچک‌ترین تکلیفی را قانون در شرایط خاص زوج برعهده وی قرار داده باشد. حتی در چنین شرایطی در خصوص نفقه فرزندان این خانواده، پس از پدری که ناتوان از تأمین مالی فرزند است، ابتدائاً اجداد پدری موظف به پرداخت مخارج این فرزندان می‌باشند و نه مادری که از کفایت و تمکن مالی برخوردار است. با توجه به تغییرات ساختار خانواده، سبک زندگی، وضعیت تحصیلی و شغلی زنان و ... به نظر می‌رسد، اصلاح قوانین نفقه در ایران، امری ضروری است؛ چراکه چنین رویکردی خدشه به عدالت جنسیتی در سوی دیگر آن یعنی عدم لحاظ شرایط خاص مردان در حقوق و تکالیف محسوب می‌گردد.

نتیجه

در این نوشتار به دلیل اهمیت مناسبات مالی در خانواده و به‌ویژه جایگاه خاص نهاد نفقه در این میان و ارتباط تنگاتنگ چنین موضوعاتی با امر عدالت اجتماعی، به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته شد. «نفقه زوجه» در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران به مفهوم تأمین هزینه‌های معمول زندگی زن توسط شوهر می‌باشد و یکی از مهم‌ترین حمایت‌های مالی از زن در خانواده به‌شمار می‌آید که اجبار اشتغال را از دوش زنان متأهل برداشته، ظرفیت تسهیل ایفای نقش‌های همسری و مادری را فراهم آورده است. این قانون برگرفته از فقه اسلامی است و بر اساس تصریح فقه، وظیفه‌ای یک‌سویه و تنها برعهده مرد می‌باشد. این قانون در بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر مانند اندونزی (بند ۱ ماده ۳۴ قانون اندونزی مصوب ۱۹۷۴)، کویت (ماده ۷۵ قانون کویت)، سودان (ماده ۶۵ قانون ۱۹۹۱ سودان)، تونس (ماده ۵۲ قانون تونس) و ... نیز به کیفیت‌های گوناگون مشاهده می‌شود. در

نظام قانونگذاری ایران، قانون مذکور دارای نواقص و ابهاماتی است که نیازمند بررسی و ارتقاء می‌باشد.

ادامه زندگی و بقای نسل ایجاب می‌کند که انسان از دو جنس مخالف زن و مرد آفرید شوند که هرکدام در ساختمان اجتماع، پیشرفت و تکامل و یا انحطاط و سقوط آن نقش مهم و اساسی ایفاء می‌کنند که در جایگاه خود برای ادامه حیات جامعه، لازم و ضروری است. در همه جوامع، گونه‌ای از تقسیم کار برحسب جنس وجود دارد؛ به این معنا که برخی کارها ویژه زنان و برخی دیگر، ویژه مردان است. خانواده و نقش‌های همسران در آن، همانند سایر جامعه‌های انسانی و اجتماعی نظام‌مند است. در دیدگاه اسلام، زن وظیفه مهم، حیاتی و بدون جایگزین تولید فرزند را برعهده دارد و باتوجه به توصیه‌های متعدد و تسهیلات حمایتی که برای مادر در نظر گرفته شده است، می‌توان اذعان داشت در دیدگاه اسلام مادر بهترین فرد برای تربیت و محبت به فرزند، معرفی شده است. در حوزه این شریعت، قانونگذار هستی به سبب جایگاه ریشه‌ای مادر در عالم طبیعت، برای او رسالت و جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته است که در این جایگاه بی‌بدیل، کسی همپای او نیست. رسالت مادر نیز در راستای تحقق مقاصد و اصول و قواعد حکیمانه موجود در درون نظام قانونگذاری اسلام در زیست‌جهان است.

از سوی دیگر، آرامش و نشاط خانواده در گرو نقش زن در خانواده دانسته می‌شود و به این دلایل مهم است که بر این تأکید شده است که زن باید از حمایت‌های مالی برخوردار باشد تا این نقش‌ها را به‌خوبی انجام دهد.

در حال حاضر در ایران اسلامی، این قانون به‌صورت یک عرف غالب در زندگی افراد جامعه جریان دارد و بر اساس مشاهدات عینی و نتایج پژوهش‌های علمی، در حالتی که مرد به‌خوبی به وظیفه خود در قبال تأمین معاش خانواده عمل می‌کند، خانواده دارای ثبات و آرامش افزون‌تری می‌باشد. این تقسیم کار، به‌جهت آنکه منطبق بر شرایط طبیعی زن می‌باشد و به‌نوعی جبران‌کننده عدم امکان حضور حداکثری وی در عرصه‌های اقتصادی، به‌دلیل درگیری با امور خانواده و فرزند می‌باشد، محقق عدالت اجتماعی است و با مفهوم خاص عدل مبنی بر تجویز «قانون مساوی برای شرایط مساوی» و «قانون متفاوت برای شرایط متفاوت» هم‌خوانی دارد. لذا تکلیف مرد بر پرداخت نفقه زوجه و تأمین مالی همسر و فرزند در تمامی ابعاد و به‌نحو مطلوب، یکی از گام‌های اساسی در جامعه اسلامی در راستای

تحقق عدالت اجتماعی است و می‌تواند در ایجاد تعادل جنسیتی به جهت تفاوت‌های طبیعی آنها تأثیر غیرقابل‌انکاری داشته باشد.

اما آنچه در این خصوص قابل‌تأمل و از نواقص جدی به‌شمار می‌آید، عدم اصلاح قوانین مربوطه باتوجه به ویژگی‌ها و مقتضیات کنونی جامعه ایران می‌باشد. سؤال اساسی اینجاست که آیا قوانین نفقه که در چهار دهه قبل در مورد جامعه ایران تدوین و تصویب گردیده‌اند، همچنان دارای کارآمدی لازم در تنظیم امور خانوادگی و روابط زوجین می‌باشند؟ آیا بر خانواده امروز ایرانی همان شرایط و مناسبات چهار دهه قبل حاکم است؟ آیا همچنان تمامی گروه‌های زنان غیرناشر بدون هیچ استثناء و ممیزی، مستحق دریافت نفقه می‌باشند؟ آیا همچنان محوریت تأمین مخارج خانواده توسط زوج به شیوه تأمین خوراک، پوشاک و مسکن، از یک سو کفایت لازم در تأمین امنیت اقتصادی زنان دارد و از سوی دیگر بدون لحاظ هیچ‌گونه مسئولیتی برای زنان شاغل و توانمند در فعالیتهای اقتصادی همچنان محقق عدالت اجتماعی در نوع عدالت جنسیتی آن است؟

باتوجه به اینکه نقش قوانین در کشورها بسیار تأثیرگذار و تعیین‌کننده می‌باشد و اگر باتوجه به مقتضیات زمان، مکان و شرایط جامعه اصلاح نگردد، می‌تواند موجب تشدید اختلافات گردد، به نظر می‌رسد رفع ابهام و نواقص قوانین موضوعه و اصلاح و به‌نوعی، به‌روزرسانی قوانین در ارتباط با روابط خانوادگی با محوریت پیشگیری از فروریزی شیرازه خانواده، لازم و اجتناب‌ناپذیر است. همچنین وارد ساختن اقدامات بنیادینی همچون بهره‌مندی از نهادهای بیمه‌ای ذیل بحث از نفقه، از موجبات افزایش کارآمدی و کفایت این نهاد در تأمین امنیت اقتصادی زنان خواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بستان، حسین. *اسلام و تفاوت‌های جنسیتی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- جبیعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی. *الروضه البهیمة فی شرح اللمعه الدمشقیة*. ترجمه علی شیروانی و محمدمسعود عباسی. قم: دارالعلم، ۱۳۸۶.
- جوادی آملی، عبدالله. *حق و تکلیف در اسلام*. ویرایش دوم. قم: نشر اسراء، ۱۳۸۵.
- شاکری گلپایگانی، طوبی، راحله کاردوانی و مهدی وکیلی، «بررسی فقهی - حقوقی گستره نشوز زوجین و شیوه مواجهه با آن». *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان* ۶۴ (۱۳۹۳): ۲۰۵-۱۵۹.
- صالحی امیری، سید رضا. *عدالت اجتماعی*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.
- صفایی، سید حسین، اسدالله امامی. *مختصر حقوق خانواده*. ویرایش دهم. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
- طباطبایی، محمدحسین. *تفسیر المیزان*. ویرایش بیستم. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
- فرشادفر، عزت‌الله. *عدالت در نهج‌البلاغه*. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی، ۱۳۸۶.
- فکور، فاطمه، علی پورقصاب امیری. «تیین مفهوم عدالت جنسیتی در اسلام و غرب». *مجله بانوان شیعه* ۲۹ (۱۳۹۱): ۷-۳۶.
- قیم، عبدالنبی. *فرهنگ معاصر عربی - فارسی*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷.
- کاردوانی، راحله. «واکاوی ارزش‌های جنسیتی زن در دیدگاه مکملی اسلام». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰.
- مجموعه قانون مدنی ایران با آخرین اصلاحات همراه با قانون مسئولیت مدنی و توضیحات و معانی لغات و اصطلاحات حقوقی*. تهران: نشر دیدار، ۱۳۹۱.
- محمدی‌رمقانی، حسن، محمد روشن و حسین مهرپور. *مطالبات زوجه و روش وصول آنها*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- مشایخی، قدرت‌الله. *خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی*. تهران: سمت، ۱۳۷۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی. *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.
- مطهری، مرتضی. *عدل الهی*. تهران: صدرا، ۱۳۷۲.
- مطهری، مرتضی. *نظام حقوق زن در خانواده*. ویرایش هفدهم. تهران: صدرا، ۱۳۷۲.
- معاونت آموزش قوه قضائیه. *رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های خانواده*. تهران: جنگل، ۱۳۸۷.
- هیوود، اندرو. *مقدمه نظریه سیاسی*. ترجمه عبدالرحمان عالم. تهران: قومس، ۱۳۸۳.

ب) منابع عربی

- ابن بابویه، محمد بن علی. *من لا یحضره الفقیه*. ویرایش دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. *لسان العرب*. بیروت: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
- اصفهانى، محمدتقی. *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. ویرایش دوم. قم: مؤسسه فرهنگی کوشان پور، ۱۴۰۶ ق.
- الحرّ العاملی، محمد بن الحسن. *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- خویی، سید ابوالقاسم. *منهاج الصالحین*. قم: مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ق.
- قرآن کریم.
- کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. ویرایش چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- موسوی خمینی، روح الله. *تحریر الوسیله*. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۷.
- نهج البلاغه.